

استکبارستیزی

ویژه‌نامه چرایی مقاومت و استکبارستیزی؛ آرمان جدایی‌ناپذیر انقلاب اسلامی

• دوشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۲ • ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۵ • ۶ نوامبر ۲۰۲۳



مبارزه با استکبار، اصل ثابت انقلاب اسلامی

همین رویه در سال‌های بعد و حتی دوران تبعید نیز ادامه یافت؛ به‌عنوان نمونه در یکی از پیام‌های امام خمینی رحمه‌الله در سال ۱۳۴۹ چنین آمده است: «اینجانب اعلام می‌کنم، هر قراردادی که با سرمایه‌داران آمریکا و دیگر مستعمرین بسته شود، مخالف خواست ملت و مخالف احکام اسلام است».^۶

در پیامی که در سال ۱۳۵۳ صادر فرموده‌اند، علاوه بر ملت ایران، ملت‌های مسلمان را نیز مخاطب قرار داده و بر مبارزه با آمریکا در کنار مبارزه با صهیونیسم چنین تأکید می‌کنند: «کلیه مسلمانان– به‌طور اعم– به‌ویژه رؤسای کشورهای اسلامی و رهبران کشورهای عربی وظیفه دارند که متحد شوند و با صفوف فشرده و وحدت علیه استعمار و صهیونیسم پیکار کنند و برمنافع آمریکا ضربه وارد سازند».^۷

شواهدی از این دست که در صحیفه امام رحمه‌الله گردآوری شده است، به‌اندازه‌ای فراوان است که کمترین تردیدی باقی نمی‌گذارد که هدف‌گذاری امام خمینی رحمه‌الله در انقلاب اسلامی، صرفاً محدود به مبارزه با استبداد نبوده و مبارزه با استعمار، استکبار و سلطه‌جویی، یکی از اصلی‌ترین اهداف انقلاب اسلامی ایران به‌شمار می‌رفت؛ به‌طوری‌که شعار «نه شرقی، نه غربی، حکومت اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، تبدیل به یکی از اصلی‌ترین شعارها و خواست مردم شد که معنای آن این بود که ملت ایران همان‌گونه که حاضر نیستند، سلطه غربی را بپذیرند، سلطه شرقی را نیز نمی‌پذیرند و انقلاب ایران، به‌معنای واقعی کلمه یک «جنبش عدم تعهد» می‌باشد. چنین طرز فکر و اصولی کاملاً مغایر با طرز تفکری بود که معتقد بود: بهتر است تنها با استبداد مبارزه شده و کاری به کار آمریکا و به‌طور کلی نظام سلطه و استکبار نداشته باشیم؛ چنانکه شهید مظلوم دکتر بهشتی رحمه‌الله نیز به این موضوع این‌گونه اشاره می‌کنند: «یک نوع تفکر این بود که ما باید لبه تیز مبارزه را متوجه استبداد داخلی بکنیم و به استعمار خارجی فعلاً کاری نداشته باشیم، گفت‌وگو کنیم، قانعشان کنیم که به صلاح و صرفه آنها نیست که استبداد را در ایران حمایت کنند، دست حمایت‌شان را از سر این استبداد بردارند و مطمئن هم باشند که ما مبارزین، خیلی سر به سر استعمارگران نخواهیم گذاشت؛ لیبرال‌ها در ایران سمبل این طرز تفکر بوده، هستند و خواهند بود... یک طرز فکر دیگر، در مقابل این قرار داشت و آن طرز فکر این بود که نه آقا استعمار و استبداد دستشان در گردن هم است و مبارزه با استبداد از مبارزه با استعمار جدایی‌ناپذیر است».^۸

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز، اگرچه روابط ایران و دولت انقلابی ایران با کشورهای آمریکا، شوروی و سایر کشورهای نظام سلطه ادامه داشت؛ آقا رهبران انقلاب اسلامی، همچنان بر بعد استکبارستیزی انقلاب اسلامی ایران تأکید داشتند؛ به‌همین جهت استکبارستیزی وارد اصول سیاست خارجی کشور شده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز منجلی شد؛ چنانکه اصول ۱۵۲ تا ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شاهدهی بر این مدعاست.^۹



باعث بدبختی و بیچارگی ملل مسلمان شده است و از این روی تا زمانی که این روحیه استکباری ادامه داشته باشد، قیام بر علیه وی نیز ادامه خواهد داشت. ایشان در این باره می‌فرمایند: «دنیا بدانند که هر رفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند، از جانب است؛ از آمریکاست. ملل اسلام از جانب عموماً و از آمریکا خصوصاً متنفر است. بدبختی دَول اسلامی از دخالت اجانب در مقدرات آن هاست. اجانبند که مخازن بر قیمت زیرزمینی ما را به یغما برده و می‌برند. انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را با بهای ناچیز برده و می‌برد. اجانبند که کشور عزیز ما را اشغال کرده و بدون مجوز از سه طرف به آن حمله کرده و سربازان ما را از پا درآورند. دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عُغال آن مبتلا بودند؛ امروز به چنگال آمریکا و عُغال آن. آمریکاست که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند. آمریکاست که به اسرائیل قدرت می‌دهد که اعراب مشلم را آواره کند. آمریکاست که وکلارا، یا بی‌واسطه یا باواسطه، برملت ایران تحمیل می‌کند. آمریکاست که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می‌داند و می‌خواهد، آنها را از جلو خود بردارد. آمریکاست که روحانیون را خار راه استعمار می‌داند و باید آنها را به حبس و زجر و اهانت بکشد. آمریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب‌نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند، تصویب و اجرا کنند. آمریکاست که با ملت اسلام معامله وحشی‌گری و بدتر از آن می‌نماید».^۹

باید به آیه‌ای^{۱۰} اشاره کرد که فقهای شیعه در طول تاریخ از آن، قاعده‌ای تحت عنوان «قاعده نفی سبیل» را استخراج کرده‌اند و در طول تاریخ در برابر هر گونه سلطه خارجی به استناد این قاعده واکنش نشان داده‌اند. نکته جالب توجه این است که حتی امام خمینی رحمه‌الله نیز در ابتدای پیامی^{۱۱} که به‌منظور مخالفت خود با کاپیتولاسیون خطاب به روحانیون و ملت ایران صادر کرده بود، این آیه را مطرح کرده بود که نشان‌گر آن است که مخالفت ایشان با این موضوع، نه یک مخالفت تاکتیکی، مقطعی و گذرا؛ بلکه یک مخالفت ریشه‌دار و ثابت است که از اصول ثابت و مستدل دینی برخاسته و به‌همین جهت تعطیل‌بردار نمی‌باشد.

در هر صورت بررسی ریشه‌های اعتقادی و مبانی دینی انقلاب اسلامی ایران، حاکی از این است که استکبارستیزی که نماد اصلی آن آمریکا می‌باشد، جزء اصول ثابت آن بوده است.

۲. مواضع و عملکرد ثابت و پایدار امام خمینی؛ به‌عبارت دیگر بررسی مواضع امام خمینی رحمه‌الله، از ابتدای آغاز قیام تا پیروزی انقلاب اسلامی و نیز مواضع بعدی آن، جملگی حاکی از این است که استکبارستیزی، رفق بخشی از ماهیت آن را تشکیل می‌داد؛ به‌عنوان نمونه بررسی تعبیر ایشان در قبال کاپیتولاسیون که در گذشته نیز مورد اشاره قرار گرفت، حاکی از این است که مشکل ایشان با آمریکا و سایر کشورهای سلطه‌گر، رفتارهای این کشورها و خوی و خصلت سلطه‌جویانه، برتری‌طلبانه و استکباری آن‌هاست که

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران که در تاریخ تحولات این انقلاب کاملاً مشهود بوده و آن را متمایز از هر انقلاب دیگری ساخته است، مبارزه همزمان آن با سلطه داخلی و خارجی بود که از سلطه داخلی تحت عنوان استبداد و سلطه خارجی تحت عناوینی همچون استعمار، سلطه و استکبار می‌توان یاد کرد که آمریکا نماد اصلی استکبار جهانی می‌باشد. به‌طور کلی آغاز نهضت امام خمینی رحمه‌الله از سال ۱۳۴۱ رنگ و بوی قوی ضد استکباری و آمریکاستیزانه داشت؛ اگرچه اولین مراحل قیام امام خمینی رحمه‌الله با واکنش نسبت به طرح‌هایی همچون مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید شاه بود؛ لکن همین طرح‌های به‌ظاهر داخلی نیز، در راستای طرح‌های آمریکایی بود. در واقع طرح انقلاب سفید شاه، الگویی بود در راستای دکترین «اتحاد برای پیشرفت» که توسط کندی طراحی شده بود و تلاش داشت تا در فضای تخاصم دوقطبی جهان، جلوی خطر افتادن در دام کمونیسم را بگیرد و مانع از شکل‌گیری جنبش‌های قوی ملی و کمونیستی در آن کشورها گردد و آنها را در دامان آمریکا نگه دارد که ایران را نیز شامل می‌شد؛ چنانکه والت روستو از طراحان و نظریه‌پردازان این طرح، یکی از کشورهایی را که طرح باید در آن اجرا می‌شد، ایران دانسته و می‌گوید: «اکنون که این رساله را در دست تألیف دارم، نه به ایالات متحده آمریکا بلکه به جاکارتا، رانگون، دهلی نو، کراچی، تهران، بغداد و قاهره می‌انديشم».^{۱۲}

البته اوج مرحله اول قیام امام خمینی رحمه‌الله را می‌توان در واکنش شدید ایشان به ماجرای کاپیتولاسیون جستجو کرد که بُعد استکبارستیزی و ضد آمریکایی آن، کاملاً مشهود بود و اساساً این مرحله از قیام امام خمینی رحمه‌الله بیش از اینکه رژیم را نشانه گرفته باشد، آمریکا را مورد هدف قرار داده بود و این مسئله تا جایی برای رژیم و اربابان آن سنگین بود که حاضر به تحمل ایشان در داخل کشور نشده و بلافاصله اقدام به دستگیری و تبعید ایشان نمود؛ با این حال موضوع استکبارستیزی و آمریکاستیزی هرگز از برنامه‌های قیام امام خمینی رحمه‌الله حذف نشده و ایشان در کنار مبارزه با استبداد، همواره بر این بعد مبارزاتی خویش نیز تأکید می‌کردند؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت، استکبارستیزی انقلاب اسلامی تحت رهبری ایشان نه یک تاکتیک مقطعی؛ بلکه یک استراتژی بود که در تمام مراحل انقلاب و حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تا به امروز مشهود می‌باشد.

در همین زمینه دلایل متعددی را می‌توان اقامه کرد که حاکی از این است که سیاست استکبارستیزی در قاموس امام خمینی رحمه‌الله، یک اصل بنیادین بوده و مربوط به مقطع خاصی نبوده است که از جمله این دلایل عبارتند از:

۱. ماهیت استکبارستیزانه انقلاب اسلامی ایران؛ به‌عبارت دیگر، هر انقلابی مبتنی بر برخی اصول و ارزش‌هاست که گاه از آن تحت عنوان ایدئولوژی آن انقلاب یاد می‌شود که همین امر، موضع‌گیری‌های آن انقلاب را در قبال موضوعات مختلف نشان می‌دهد؛ چنانکه تمایل و وابستگی عمده انقلاب‌ها به بلوک‌های قدرت جهانی و در واقع پذیرش سلطه این بلوک‌ها، ریشه در این ایدئولوژی داشت. در این میان، انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر ایدئولوژی خاصی بود که در ذات خود، علاوه بر استبداد داخلی، نفی هرگونه سلطه خارجی جزء اصول تغییرناپذیر آن بود؛ به–عبارت دیگر این ایدئولوژی مبتنی بر آموزه‌های دین مبین اسلام بود که نفی هرگونه سلطه‌ای اعم از سلطه داخلی و سلطه خارجی در آن نقش برجسته‌ای داشت؛ به‌عنوان مثال باید به یکی از اهداف بعثت انبیاء علیهم‌السلام اشاره کرد که بر اساس آموزه‌های دینی عبارت بود از: « اجتناب از طاغوت» و طاغوت نیز اصطلاحی است که قابل اطلاق بر مستبدان داخلی و مستکبران خارجی می‌باشد. همچنین